

یادداشت

ضرورت نوع متفاوتی از دیپلماسی

اجماع کامل بین نخبگان حاصل است که ما هرچه سریع‌تر باید در راستای ختم تنش‌های ژئوپلیتیک حرکت کنیم و بر مشکلات کشور متمرکز شویم. ما از منازل مختلف و متعددی گذشته‌ایم تا به این نقطه رسیده‌ایم. متأسفانه آخرین منزل که نقطه عزیمت ما به سوی وضعیت کنونی بود، اعلام سیاست «کنترل تخاصص» به‌جای سیاست تنش‌زدایی و اعلام مبنایی بودن اختلافات ما با آمریکا در ابتدای دولت دکتر پزشکیان بود. در چنین شرایطی، اولاً لازم است که این یقین در مقامات حاصل شود که دیپلماسی تنها راه خروج از این وضعیت است. ثانیاً نوعی از دیپلماسی که معطوف به سرعت عمل و کسب نتیجه باشد، در دستور کار قرار گیرد. دعوی غنی‌سازی در مدت ۲۲ سال گذشته همواره در جریان بوده و همواره شاهد ادوار مذاکراتی بسیار طولانی و فرسایشی بوده‌ایم. دراین‌میان اقتصاد و اهداف توسعه در کشور ما زیر ضرب بوده، درحالی‌که از این جهات طرف مقابل تحت فشار قرار نداشته است. در نتیجه ضروری است که با توجه به شرایط عمومی کشور و مواضع طرف مقابل یا تصمیمی برای نوع متفاوتی از دیپلماسی گرفته شود یا اساساً اگر راه دیگری مد نظر است، کام در آن راه گذاشته شده و کار یکسره شود. هدف دیپلماسی در دوره کنونی و در شرایطی که سایت‌های هسته‌ای ما هدف قرار گرفته‌اند، می‌تواند رسیدن به توافق جامع بین ایران و آمریکا راجع به برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز و هر مسئله دیگری بین دو کشور باشد. آنچه درباره دیپلماسی مهم است، توجه به تفاوت‌ها در نگرش و اولویت‌های ترامپ با نتانیاهو است. ترامپ در پنج، شش ماه گذشته تردیدی در نمایش اختلاف‌نظرهای خود با نتانیاهو نداشته است. سفر منطقه‌ای ترامپ این اختلافات را به نمایش گذاشت. درحالی‌که اولویت اول و تنها اولویت نتانیاهو منطقه است، منطقه برای ترامپ اهمیت ثانویه دارد و او در قالب رقابت قدرت‌های جهانی می‌اندیشد. هدف ترامپ در سیاست خارجی عبور از منطقه و عمدتاً پرداختن به چین و روسیه و اروپاست. به‌همین‌دلیل ترامپ متصدت نگه‌داشتن تغییرات در منطقه در حداقل لازم برای منافع شخصی و سیاسی خود است؛ درحالی‌که راست افراطی اسرائیل در پی تحمیل هژمونی خود بر کل منطقه و تضعیف و مرعوب‌کردن همه قدرت‌های منطقه‌ای است. تصور واهی این طیف این است که این هدف شیطانی از راه برخورد با ایران می‌گذرد. ترامپ قطعا در پی تغییر نظام یا تجزیه ایران نیست، چراکه اولاً همیشه با مداخله در دیگر کشورها و بسط دموکراسی مخالفت کرده است. ثانیاً پایگاه اجتماعی ترامپ به‌شدت با ورود آمریکا به چنین وادی‌هایی مخالف است. ثالثاً او می‌داند که اقدام در راستای تغییر نظام و تجزیه شرایطی را ایجاد می‌کند که تصویر روشنی از آینده آن نمی‌توان داشت و ممکن است زمینه‌ساز بی‌ثباتی‌های مزمن و طولانی در کل منطقه و سواحل خلیج فارس شود و آمریکا امکان مدیریت آن را نداشته باشد. به همین دلایل آمریکا هیچ‌گاه در پی تجزیه کشوری در منطقه نبوده و با رفتارندم استقلال کردها در عراق هم مخالفت کرد. بنابراین کار جدی دیپلماتیک با ترامپ می‌تواند در راستای مهار رژیم اسرائیل و جلوگیری از روند تبدیل‌شدن اسرائیل به هژمون منطقه باشد. نیز در این راه، می‌توان روی حمایت دیگر قدرت‌های منطقه‌ای حساب کرد.

ایران پساجنگ را بسازیم

دولت در شرایط کنونی به حضور جدی بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی نیازمند است و اقتصاد نیز بیش از گذشته نیازمند در حاشیه بودن دولت و تسهیلگری بیشتر به‌جای مداخله در اقتصاد است. نکته درخور توجه دیگر که در این نوشته به آن می‌پردازم، آن است که باید در شرایط کنونی برخی از ضعف‌های نظارتی در ساخت‌وساز را یادآوری کرد. عدم توجه به پدافند غیرعامل در ساخت‌وساز، به‌ویژه در پایتخت کشور، از آن جمله است. ایران نته‌تها به لحاظ عوامل طبیعی همچون زلزله و سیل آسیب‌پذیر است، بلکه به لحاظ حضور در خاورمیانه به عنوان یکی از مناطق بحرآن‌زده که اسیر جنگ‌های طولانی و رقابت‌های منطقه‌ای است، شرایط ویژه‌ای دارد.امروزه با استفاده از برنامه‌های جامع مدیریت بحران در معماری و شهرسازی می‌توانیم از شدت گستردگی خسارات و تلفات ناشی از خطرات طبیعی و غیرطبیعی بکاهیم و شرایط ایمن‌تری برای شهروندان فراهم آوریم. از مهم‌ترین این تمهیدات، به‌کارگیری اصول پدافند غیرعامل است که باید در سطوح مختلف برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شهرسازی و معماری مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله باید به رعایت اصول پدافند غیرعامل در معماری مجتمع‌های مسکونی توجه کنیم که یکی از مهم‌ترین راهکارهای مناسب برای اهداف طرح، یعنی حفظ بقای نیروی انسانی در زمان بحران است.فضاهای زیرزمینی قدیمی‌تر نوعی حفظ بقای بشر محسوب می‌شوند که دارای پیشینه‌ای فراتر از اولین بناهای معمول ساخته‌شده هستند. زندگی در فضاهای زیرزمینی شامل بخش وسیعی از تاریخ بشر بوده و برخی بر این اعتقاد هستند که ارتباط با این شیوه سکونت، به زمان غارنشینی مربوط می‌شود و بیش از زمانی که فناوری نوین منجر به ساخت بناهای معمول بر زمین شود، سابقه دارد. از این رو، رعایت اصول پدافند غیرعامل برای احداث مجتمع‌های مسکونی در دل زمین دارای اهمیت ویژه‌ای است. در زمان جنگ تحمیلی عراق بر ایران نیز مردم تجربه رفتن به زیرزمین برای در امان ماندن از آماج حملات و تاجربه کرده‌اند. اما با توجه به پیشرفت تکنولوژی و حضور سلاح‌های جدید، لازم است دستگاه‌های مسئول نیز برای دفع از مردم موضوع محبت ۱۱ از مقررات ملی ساختمان و پدافند غیرعامل را جدی‌تر بگیرند. اگرچه ایران هیچ‌گاه به دنبال جنگ نبوده، اما این موضوع بدیهی است که دشمنان این کشور هر بار بهانه‌ای تازه برای جنگ دارند. از این رو باید در معماری ساختمان‌های ایران، معماری شرایط جنگی نیز در نظر گرفته شود. سبک ساخت، استحکام و معماری می‌تواند در نجات جان انسان‌ها بسیار مؤثر باشد. برخی از افراد در این بازه شهید شدند یا از بجزره ساختمان به بیرون پرت شده بودند یا بر اثر یزتاب شیشه بسیار آسیب دیده بودند یا موج انفجار به آنها آسیب زده بود. در اینجا قصد پرداختن به مباحث تخصصی را ندارم، آنچه بر آن تأکید دارم ضرورت توجه و نظارت کافی به ساخت‌وسازها و معماری ساختمان با توجه به شرایط جغرافیایی کشورمان است. اگر پناهگاه مناسبی در این مدت وجود داشت یا سازه‌های مناسبی داشتیم، شاید شهر تا این اندازه تخلیه نمی‌شد تا به بسیاری از کسب‌وکارها و اقتصاد کشور زیان وارد شود. بنابراین باید موضوع پدافند غیرعامل در ساخت‌وسازها از این پس جدی‌تر گرفته شود تا امنیت بیشتری برای شهروندان به ارمغان آورد.

امید به ایرانی آرام‌تر و آبادتر.

مهدی بازرگان: مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، هشتم تیر ۱۴۰۴، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «اگر مردم را در تصمیم‌گیری، نظارت، مدیریت، امنیت و سلامت مشارکت دهیم، قدرتی مضاعف برای کشور فراهم خواهد شد». او افزود «مردم باید در رفتار، گفتار و کردار ما ببینند که برای خدمتگزاری به آنها آمده‌ایم؛ باید پناه مردم باشیم». این نوشته رئیس قوه مجریه کشور، بازتابی از نیاز به بازسازی رابطه دولت و جامعه در پی جنگ ۱۲ روزه ژوئن ۲۰۲۵ با اسرائیل و آمریکااست. این دگرگینی که با حملات غیرقانونی به تأسیسات هسته‌ای، نظامی و غیرنظامی ایران آغاز شد و با پاسخ قاطع تهران در عملیات «وعده صادق ۳» به آتش‌پس منجر شد، اقتضانات جدیدی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تجاری، دیپلماتیک و امنیتی در داخل ایران ایجاد کرده است. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، تأکید پزشکیان بر خدمتگزاری و مشارکت مردمی، پاسخی استراتژیک به این اقتضانات است که می‌تواند انسجام ملی و تاب‌آوری ایران را در برابر چالش‌های داخلی و خارجی تقویت کند. جنگ ۱۲ روزه که با شهادت فرماندهان نظامی، دانشمندان هسته‌ای و غیرنظامیان همراه بود، وحدت ملی ایران را به نمایش گذاشت، مراسم تشییع شهدا و حضور گسترده مردم در حمایت از پاسخ نظامی ایران، نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی قوی بود. بنابراین اظهارات پزشکیان مبنی بر اینکه مردم باید در رفتار و کردار دولتمردان خدمتگزاری ببینند، به اهمیت اعتماد متقابل دولت و ملت اشاره دارد. این «اعتماد»، شکاف‌های اجتماعی مانند تهدیدهای انسجام ملی را در برابر تهدیدات خارجی، مانند تهدیدهای مکرر دولت آمریکا تقویت می‌کند. مشارکت مردم در نظارت و تصمیم‌گیری، حس تعلق به نظام سیاسی را افزایش داده و مانع از تأثیرگذاری فشارهای خارجی بر ثبات داخلی می‌شود. باید در نظر داشت که تأکید پزشکیان بر تبدیل دولت به پناهگاه مردم، پاسخی به نیاز بازسازی اعتماد اجتماعی پس از جنگ است، خاصه آنکه حملات به تأسیسات غیرنظامی، مانند زندان اوین و مراکز درمانی، احساسات عمومی را در جریحه‌دار کرد. اکنون که وضعیت جمعی کشورمان حول محور «ایران» تقویت شده است، می‌تواند بستری برای بازسازی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باشد که در آن دولت نه‌تنها به عنوان حافظ امنیت، بلکه به عنوان خدمتگزار مردم دیده می‌شود. سیاست‌های شفاف و پاسخ‌گو، مانند تقویت نهادهای مدنی، می‌تواند مشارکت مردمی را در مدیریت بحران‌های پساجنگ، مانند بازسازی زیرساخت‌ها نهاده‌ینه کند. از این زاویه جنگ با وجود خسارات به تأسیسات هسته‌ای و شهادت چند نفر از فرماندهان، دانشمندان و غیرنظامیان و تحمیل فشار مضاعف به اقتصاد ایران، تاب‌آوری جامعه را به‌خوبی نمایان کرد. بنابراین رجعت به مردم و مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، مانند برنامه‌ریزی برای بازسازی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های انرژی و فناوری، می‌تواند شکاف‌های طبقاتی را کاهش دهد. در حوزه امنیتی، نظارت مردمی بر سیاست‌های دفاعی، اعتماد به نهادهای نظامی را افزایش داده و بازراندگی ایران را در برابر تهدیدات خارجی تقویت می‌کند. در مجموع تأکید پزشکیان بر خدمتگزاری و مشارکت مردمی، نقشه راهی برای پاسخ به اقتضانات پساجنگ است. این رویکرد، با تقویت انسجام ملی، بازسازی اعتماد اجتماعی و نهادهیینه‌سازی مشارکت در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی، ایران را در برابر چالش‌های داخلی و خارجی توانمند می‌کند. دولت به عنوان پناهگاه مردم می‌تواند آینده‌ای پایدار و شکوفا برای ایران رقم بزند.

ایطبحی در ادامه تحلیلش به «شرق» می‌گوید: «اگر افرادی که در سال‌های گذشته در همه حوزه‌ها از مدار تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی خارج شده‌اند، بتوانند دوباره وارد گود شوند و فضای آزادی شکل بگیرد، گام بسیار تعیین‌کننده‌ای در رجعت به مردم خواهد بود». لذا در یک جمله کلیدی، عضو دولت اصلاحات خطاب به دولت چهاردهم و شخص رئیس‌جمهور تأکید دارد: «اکنون فرصتی برای آقای پزشکیان وجود ندارد که خواسته، انتظار یا مطالبه‌ای از مردم داشته باشد، بلکه اکنون توب در زمین تصمیم‌گیران است و باید آنها گام عملی بردارند». به گفته این فعال حزبی: «باید تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان، مهربانی، همدلی و حمایت خود را از جامعه ایران نشان دهند و اکنون یکی از بهترین فرصت‌ها و فضاهای ممکن بعد از این جنگ صورت گرفته است». عضو مجمع روحانیون مبارز به کنایه خاطرنشان می‌کند: «بسیاری از افرادی که در راهبیمایی‌ها و حتی مراسم تشییع شهدا جنگ ۱۲ روزه حضور داشتند، کسانی بودند که برگه اخطار حجاب در جیبشان بود یا بسیاری از دوستان و آشنایان را در زندان دارند، اما برای حمایت از وطن پای کار آمدند». سپس ایطبحی مجدداً تصریح می‌کند: «اکنون هیچ‌کس نمی‌تواند از مردم مطالبه و درخواستی داشته باشد و هرچه هست، باید از سوی دولت و مقامات انجام شود تا در نهایت ملت هم به این باور برسند که گفته‌های پزشکیان، جنبه عملیاتی و واقعیت به خود گرفته است».

در ادامه گفت‌وگوی «شرق»، عضو دولت اصلاحات لحن هشدارآمیزی به تحلیل‌های مردمی دهد و ذیل رجوعی به سال‌ها دهه‌های گذشته که باید بازگشت به مردم در دستور کار قرار می‌گرفت، اما در نهایت این اتفاق روی نداد، اذعان دارد: «اگر در شرایط حساس فعلی، رجوع به جامعه در حد ادعا و شعار باقی بماند، کشور با وضعیت پیچیده‌تر و بغرنج‌تری مواجه خواهد شد». در این صورت ایطبحی یقین دارد: «بسیار بعید خواهد بود آنچه مسعود پزشکیان در مقام رئیس‌جمهور در توییتش عنوان کرده، بیش از یک نوشته در فضای مجازی اثرگذار باشد». و در همین راستاست که فعال سیاسی اصلاح‌طلب، مدیریت رسانه در طول روزهای پس از جنگ را با نگاهی نقادانه زیر سؤال می‌برد و معتقد است که این مدیریت کساکان تغییر پیدا نکرده و تا زمانی که رسانه ملی آغوش بازی برای همه سلاقی، جریان‌ها و نگاه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی نداشته باشد، باوری در جامعه برای بازگشت به مردم شکل نخواهد گرفت. به گفته او: «زمانی که این باور شکل نگیرد، نمی‌توان به تغییرات در عرصه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی امیدوار بود».

در سایه همین آسیب‌شناسی، ایطبحی باز هم متذکر می‌شود: «در گذشته برخی جریان‌های سیاسی «مردم» را همان‌هایی می‌دانستند که شعارها و گفته‌های آنان را تأیید می‌کرد و به دلیل این برداشت اشتباه، اکنون به نقطه بسیار شکننده‌ای در روابط ملت و دولت رسیده‌ایم. در آن برهه و در تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و معیشتی فشارهای بی‌شماری به مردم وارد شد و اکنون در یک بنگاه حساس قرار داریم که برای پیشبرد هرگونه تصمیمی به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی باید پشتوانه مردمی صورت بگیرد و اینجاست بازگو کنند». بلکه به باور این فعال سیاسی: «اکنون ضرورت

اتخاذ یک رویکرد عمل‌گرایانه برای بازگشت به مردم در همه ابعاد تصمیم‌گیری بیش از گذشته احساس می‌شود». بنابراین ایطبحی پیشنهاد می‌دهد که از نظر عملی باید این وقاق و بازگشت به مردم صورت بگیرد. در ادامه پ‌گفت با این فعال سیاسی، او با ارجاع به سال‌ها و دوره‌های گذشته و مشخصاً دوره خالص‌سازی در دولت سیزدهم، یادآور می‌شود: «در نهایت شرایطی در کشور شکل گرفت که خالص‌سازی جای خود را به وقاق داد». اما از دید ایطبحی: «مشکل اینجا بود که در عمل هیچ گامی درخصوص بازگشت به مردم و تحقق شعار وقاق ملی صورت نگرفت و نهایتاً دولت چهاردهم تنها کاری که توانست انجام بدهد این بود که برخی از وزرا، مقامات و اعضای کابینه را از جناح‌های مختلف سیاسی انتخاب کند و این در حالی بود که در این مدت جناح مقابل همواره به دنبال کارشکنی، مخالفت، حذف، تهدید و توهین بود و عملاً شعار وقاق ملی دولت چهاردهم ناکام ماند». با توجه به نکات یادشده، عضو مجمع روحانیون مبارز، «تنها راه‌حل را در این می‌داند که شعار بازگشت به مردم در عرصه عمل و پیش چشم جامعه محقق شود و ایرانیان ببینند که مدیریت رسانه‌ها، نحوه تصمیم‌گیری‌ها و ریل‌گذاری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و دیپلماتیک دست به تغییرات اساسی و معنادار زده و برخی تکن‌نظری‌ها و به تبع آن مسائلی مانند درصلاحت‌ها از دستور کار خارج شده است و از این پس شاهد تضارب آرا، پذیرش تمام نظریه‌ها و صداها، مختلف از همه جریان‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باشیم».

ایطبحی در ادامه تحلیلش به «شرق» می‌گوید: «اگر افرادی که در سال‌های گذشته در همه حوزه‌ها از مدار تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی خارج شده‌اند، بتوانند دوباره وارد گود شوند و فضای آزادی شکل بگیرد، گام بسیار تعیین‌کننده‌ای در رجعت به مردم خواهد بود». لذا در یک جمله کلیدی، عضو دولت اصلاحات خطاب به دولت چهاردهم و شخص رئیس‌جمهور تأکید دارد: «اکنون فرصتی برای آقای پزشکیان وجود ندارد که خواسته، انتظار یا مطالبه‌ای از مردم داشته باشد، بلکه اکنون توب در زمین تصمیم‌گیران است و باید آنها گام عملی بردارند». به گفته این فعال حزبی: «باید تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان، مهربانی، همدلی و حمایت خود را از جامعه ایران نشان دهند و اکنون یکی از بهترین فرصت‌ها و فضاهای ممکن بعد از این جنگ صورت گرفته است». عضو مجمع روحانیون مبارز به کنایه خاطرنشان می‌کند: «بسیاری از افرادی که در راهبیمایی‌ها و حتی مراسم تشییع شهدا جنگ ۱۲ روزه حضور داشتند، کسانی بودند که برگه اخطار حجاب در جیبشان بود یا بسیاری از دوستان و آشنایان را در زندان دارند، اما برای حمایت از وطن پای کار آمدند». سپس ایطبحی مجدداً تصریح می‌کند: «اکنون هیچ‌کس نمی‌تواند از مردم مطالبه و درخواستی داشته باشد و هرچه هست، باید از سوی دولت و مقامات انجام شود تا در نهایت ملت هم به این باور برسند که گفته‌های پزشکیان، جنبه عملیاتی و واقعیت به خود گرفته است».

در ادامه گفت‌وگوی «شرق»، عضو دولت اصلاحات لحن هشدارآمیزی به تحلیل‌های مردمی دهد و ذیل رجوعی به سال‌ها دهه‌های گذشته که باید بازگشت به مردم در دستور کار قرار می‌گرفت، اما در نهایت این اتفاق روی نداد، اذعان دارد: «اگر در شرایط حساس فعلی، رجوع به جامعه در حد ادعا و شعار باقی بماند، کشور با وضعیت پیچیده‌تر و بغرنج‌تری مواجه خواهد شد». در این صورت ایطبحی یقین دارد: «بسیار بعید خواهد بود آنچه مسعود پزشکیان در مقام رئیس‌جمهور در توییتش عنوان کرده، بیش از یک نوشته در فضای مجازی اثرگذار باشد». و در همین راستاست که فعال سیاسی اصلاح‌طلب، مدیریت رسانه در طول روزهای پس از جنگ را با نگاهی نقادانه زیر سؤال می‌برد و معتقد است که این مدیریت کساکان تغییر پیدا نکرده و تا زمانی که رسانه ملی آغوش بازی برای همه سلاقی، جریان‌ها و نگاه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی نداشته باشد، باوری در جامعه برای بازگشت به مردم شکل نخواهد گرفت. به گفته او: «زمانی که این باور شکل نگیرد، نمی‌توان به تغییرات در عرصه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی امیدوار بود».

در سایه همین آسیب‌شناسی، ایطبحی باز هم متذکر می‌شود: «در گذشته برخی جریان‌های سیاسی «مردم» را همان‌هایی می‌دانستند که شعارها و گفته‌های آنان را تأیید می‌کرد و به دلیل این برداشت اشتباه، اکنون به نقطه بسیار شکننده‌ای در روابط ملت و دولت رسیده‌ایم. در آن برهه و در تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و معیشتی فشارهای بی‌شماری به مردم وارد شد و اکنون در یک بنگاه حساس قرار داریم که برای پیشبرد هرگونه تصمیمی به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی باید پشتوانه مردمی صورت بگیرد و اینجاست



عکس: مریم‌نسی بنشونال Gettyimages

«شرق» واکاوی می‌کند؛ مشارکت مردمی، ستون قدرت ایران در تحولات سیاسی -اجتماعی پس از جنگ

سمت مردم، سپر ایران در برابر بحران

● **محمدعلی ایطبحی: هیچ‌کس نمی‌تواند از مردم مطالبه و درخواستی داشته باشد • محمد مهاجری: برای پایداری و دوام این سیستم، راهی جز اصلاح از درون وجود ندارد**

که ضرورت بازسازی روابط ملت و دولت خود را نشان می‌دهد». چراکه از منظر این عضو مجمع روحانیون مبارز: «تنها عاملی که باعث شد ایران در مقابل تجاوزات اسرائیل و آمریکا مقاومت کند، حمایت گسترده مردم بود. به‌ویژه آنکه ایطبحی باور دارد: «اسرائیل در یک تحلیل کاملاً اشتباه چنین تصور می‌کرد که با حمله به مراکز و تأسیسات ایران، مردم آماده شورش و اعتراض خواهند بود و چون این اتفاق روی نداد، مهم‌ترین شکست آمریکا و اسرائیل در این جنگ ۱۲ روزه به واسطه هوشیاری مردم رقم خورد». با این حال عضو دولت اصلاحات هشدار می‌دهد «هنوز برخی جریان‌های سیاسی به دلیل منافع حزبی و جناحی به دنبال بهره‌برداری خود از کلیدوازه مردم هستند»، درعین‌حال این امیدواری وجود دارد که «در فضای جدید شاهد تغییر عملی برای بازگشت به جامعه هم باشیم».

محمد مهاجری: برای پایداری و دوام این سیستم، راهی جز اصلاح از درون وجود ندارد

محمد مهاجری هم دیگر چهره سیاسی بود که در کپ‌گفتش با «شرق» و ذیل واکاوی و تحلیل توییت مسعود پزشکیان بر این باور است که «آنچه رئیس‌جمهور در فضای مجازی مطرح کرده است، در حقیقت ادامه همان شعار و گفت‌مان او برای بازگشت به مردم بود که به‌عنوان اساس کار در ابتدای دولت چهاردهم مطرح شد». با چنین قراشتی، فعال سیاسی اصولگرا تأکید و تصریح می‌کند «نه‌تنها رئیس‌جمهور و اعضای دولت چهاردهم، بلکه بسیاری دیگر از سیاستمداران کشور و حتی منتقدان دولت با توجه به فضای پس از جنگ ۱۲ روزه به این یقین رسیده‌اند که، اگر در پی حملات اسرائیل و آمریکا به ایران، آتش‌بسی به وجود آمد، در نتیجه انسجام ملی در درون کشور بود». از منظر این فعال سیاسی، «برخلاف اپوزیسیون خارج‌نشین و رسانه‌های متبوع آنان و درست برخلاف تمام تحلیل‌ها و محاسبات غلط اسرائیل و آمریکا، مردم ایران تا آخر این جنگ پای میهن و کشور خود ایستادند» و به گفته او «اکنون مشخص شده است زمانی که مردم پای کار باشند، هیچ اتفاقی در کشور روی نخواهد داد». بنابراین مهاجری چنین نتیجه می‌گیرد که «مسعود پزشکیان در مقام رئیس‌جمهور بیشتر و زودتر از بقیه سیاست‌یون این واقعیت را درک و فهم کرده است که برای پاسداشت، تکریم و حفظ حرمت این مردم باید آنها را در صحنه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی دخالت داد و چه راهی بهتر از آنکه مردم در ادامه مسیر کشورداری و به شکل عملی مشارکت پیدا کنند».

این فعال سیاسی اصولگرا در فراز دیگری از تحلیل خود درباره دوگانگی ناشی از فضای بسته یا فضای باز در کشور بعد از جنگ ۱۲ روزه و اینکه چه اتفاقی برای آینده ایران روی خواهد داد، این‌س ملاحظه را دارد که «از هم‌اکنون نمی‌توان پیش‌بینی خاصی درباره آینده کشور داشت». با این حال او یادآور می‌شود «هم مقامات کشور و هم اپوزیسیون خارج‌نشین و حتی دشمنان را یعنی اسرائیل و آمریکا هم به این آگاهی و یقین رسیده‌اند که در بنگاه حفظ تمامیت کشور، مردم تمام‌قد پای کار ایستاده‌اند» و این در حالی است که مهاجری یادآور می‌شود «همین مردم جزء، منتقدان جدی تصمیمات و اقدامات صورت‌گرفته در تمام سال‌ها و دهه‌های گذشته در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، دیپلماتیک و فرهنگی هستند». باوجوداین از دید او، «زمانی که پای وطن در میان باشد و ببینند که کشور در حال ویرانی است، آن انتقادات، خواسته‌ها، مطالبات و انتظارات مردم در عرصه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی رنگ می‌بازد و ملت، توجه و اولویت خود را به حمایت از کشور می‌دهند» و به گفته مهاجری، «بسیاری تمام انتقادات و خواسته‌ها به شکل موقت از دستور کار خارج می‌شود و کل کشور به دنبال حمایت تمام‌قد از میهن خواهند بود و بعد از دوره گذار از شرایط بحرانی، همین مردم مجدداً به دنبال انتقادات جدی خود از همه مسائل خواهند بود؛ چه نحوه مدیریت صداوسیما باشد یا مسئله حجاب، تکنگاهای اقتصادی و معیشتی، دیپلماسی، فیلترینگ، آزادی بیان، رسانه‌ها و…»؛ بنابراین در مجموع آنچه گفته شد، این فعال رسانه‌ای تصریح می‌کند «برای پاسداشت، سپاسگزاری و قدردانی از حمایت تمام‌قد مردم از وطن، باید مجموعه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به دنبال تغییر فضای مدیریتی و تحقق تمام خواسته‌ها و مطالبات جامعه باشد». با چنین برداشتی و از منظر محمد مهاجری، «اکنون کال سیستم تصمیم‌گیر در جمهوری اسلامی ایران به این درک رسیده‌اند که برای پایداری و دوام این سیستم و نظام هیچ راهی جز اصلاح از درون وجود ندارد».

یادداشت

بیانیه انجمن فیزیک و یک توضیح

احمدشیرزاد

در یادداشت دیروز تحت عنوان «نگاه فریدون» اشتباه محرزى را مرتكب شدم كه بابت آن از خوانندگان عزيز و همكارانم در هيت‌مديره انجمن فيزيك ايران پي‌وزش مي‌خواهم. من در فرازي، با كمال ادب، از انجمن گلایه کرده بودم كه چرا در شهادت مظلومانه تعداد درخور توجهی از همكاران فیزیک پیشه ما موضوع‌گیری نکرده است. درواقع، انجمن در تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۶ بیانیه قاطعی در محکومیت ترور همکاران دانش‌پیشه ایران صادر کرده بود که متأسفانه در تندباد اخبار جنگ دیده نشده و آن چنان که حق مطلب بود، بازتاب نیافته بود. البته من وظیفه داشتم کنکاش بیشتری کنم و باز هم از داوری شتاب‌زده خود از انجمن پرافتخار فیزیک، که خود عضو کوچکی از آن هستم، عذرخواهی می‌کنم. بیانیه انجمن در صفحه رسمی آن قابل دیدن است و من، با کسب اجازه از روزنامه «شرق»، آن را در اینجا می‌آورم تا خطای خود را جبران کرده باشم. این را هم اضافه‌کنم که انجمن فیزیک بنا به ماهیت صنفی و حرفه‌ای خود بسیار کم‌بیارم بیانیه صادر می‌کند. متی بیانیه را در زیر ببینید: انجمن فیزیک ایران با اندوه و نگرانی عمیق، شهادت و از دست‌دادن جمعی از فیزیک‌پسگان برجسته جامعه علمی ما در جریان حملات اخیر رژیم صهیونیستی، برخلاف قوانین بین‌المللی هدف قرار گرفتند، به‌شدت محکوم می‌کند. این دانشمندان، که عمر خود را وقف پیشبرد مرزهای دانش و خدمت به بشریت کرده بودند، قربانی خشتونی بی‌منطق و ناخردانه شدند. جنگ و کشتار، در هر شکل و هر کجا، امری مذموم و ناپذیرفتنی است؛ اما فاجعه‌بارتر زمانی است که آتش جنگ دامن غیرنظامیان، پژوهشگران و فرهیختگان را بگیرد. دانشمندان حاملان نور دانش‌اند و هدف قراردادن آنها، نه‌تنها اقدامی برخلاف اصول انسانی و اخلاقی، بلکه ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به توسعه علمی و فرهنگی جامعه بشری است. انجمن فیزیک ضمن ابراز هم‌دردی با خانواده‌های داغدار و جامعه علمی کشور، از نهادهای مسئول و بین‌المللی می‌خواهد که در راستای توقف خشونت، صیانت از جان غیرنظامیان و پاسداشت حرمت علم و دانش، مسئولانه و قاطعانه اقدام کنند. علم، در ذات خود، حاصل صلح است و فیزیک‌دانان نیز همواره صدای خرد، حقیقت و زندگی بوده‌اند. ما اجازه نخواهیم داد صدای آنان در غوغای جنگ خاموش شود.

در ضرورت آزادی زندانیان سیاسی ومالی

این نوشتار در میان اهداف مبارران شده، صرفا به موضوع هدف‌گیری زندان اوین می‌پردازد و به نظر می‌رسد

ازجمله اهداف این حمله چندعاملی نشان‌دادن همدلی عملی اسرائیل با اپوزیسیون برانداز و معاند و روحیه‌دادن به آنها بوده باشد. رهایی زندانیانی که به جرم جاسوسی برای کشورهای غربی و اسرائیل دوران محکوم‌خود را سپری می‌کردند، نیز ازجمله اهداف است. ایجاد ناامنی و هرج‌ومرج در سطح کلان‌شهر تهران به واسطه فرار زندانیان خطرناک، هدف دیگر این عملیات می‌تواند باشد. هرچند که حمله به زندان اوین بیشترین تلفات موردی را به بار آورد، اما به اهداف خود نرسید. از آنجا که زندان مزبور طیف وسیعی از محکومان ازجمله زندانیان سیاسی را در خود جای داده، به مسئولان قوه قضائیه توصیه می‌شود که نخست اسباب استخلاص این بی‌آزارترین زندانیان را در اسرع وقت فراهم کنند. آن‌گاه با اعلام فراخوان، خبرآن را مد گردن تا با کمک به زندانیان مالی در راستای پرداخت بدهی‌شان، موجب آزادی آنها هم شوند. نگارنده بیم آن دارد که حمله جنایت‌کارانه اسرائیل به زندان اوین این تفکر را در میان مسئولان مربوطه جا بیندازد که چون ممکن است دشمن، آزادی زندانی‌های مزبور از طرف حاکمیت را خروجی کار خود بداند و به حساب خود کارسازی کند، این مهم را به تأخیر بیندازد. آزادسازی زندانیان سیاسی که بنا به ماهیت وجودی‌شان حاکمیت مستقر را به چالش مدنی کشانده‌اند، از سوی حاکمیت نه‌تنها به حساب ضعف او گذاشته نمی‌شود، بلکه حتی نقطه قوت او منظور می‌شود.